



روایت کارگران از روزهای بیم و بیکاری

از کارگر شیشه‌سازی در سهند تا کارگر قطعه‌سازی در قلعه حسن خان، یک نگرانی مشترک شنیده می‌شود؛ نگرانی از موج تعدیل نیرو که می‌تواند معیشت میلیون‌ها خانوار کارگری را متزلزل کند

شهرک صنعتی، تصویری از یک زندگی آرام کارگری ترسیم می‌کرد. همین شرایط باعث شده بود تصور کند بازگشت به تبریز و پیوستن به این کارخانه، شاید در ست‌ترین تصمیم حرفه‌ای زندگی‌اش بوده است. اکنون اما با تغییر شرایط اقتصادی و افزایش زمزمه‌های تعدیل نیرو، آن آرامش جای خود را به نگرانی و بیمی داده که تنها به این کارگر محدود نمی‌شود و روایت آن در میان بسیاری از کارگران دیگر نیز شنیده می‌شود.

کارگر یکی از واحدهای «گروه صنعتی سهند» است؛ تکنسینی متخصص در صنایع شیشه‌سازی که پنج سال پیش، پس از سال‌ها کار در یزد، به امید آینده‌ای با ثبات‌تر به زادگاه خود بازگشت و در یکی از زیرمجموعه‌های این مجموعه صنعتی در چند کیلومتری شهر جدید سهند مشغول به کار شد. روزهای نخست برای او نوبدبخش ثبات و امنیت بود؛ شغلی تخصصی، حقوق و مزایای قابل قبول، غذا و سرویس رفت‌وآمد و بهره‌مندی از امکانات

روایت متفاوتی ارائه می‌دهد و معتقد است دست کم ۲ میلیون کارگر در هفته‌های اخیر با معضل عدم تمدید قرارداد یا تعدیل ناگهانی مواجه شده‌اند؛ پدیده‌ای که در بسیاری از واحدهای تولیدی به شکلی خاموش، اما گسترده در حال وقوع است. صرف‌نظر از اختلاف ارقام، بزرگی مسئله انکارناپذیر است. در اقتصادی که شمار بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی اندکی بیش از ۱۶ میلیون نفر برآورد می‌شود، بیکاری حتی یک تا ۲ میلیون کارگر می‌تواند پیامدهایی گسترده بر جای بگذارد. چنین رخدادی نه تنها معیشت و آینده شغلی میلیون‌ها خانوار را در معرض بحران قرار می‌دهد، بلکه با قطع حق بیمه‌ها، منابع مالی سازمان تأمین اجتماعی را نیز با کاهش جدی روبه‌رو می‌کند و همزمان فشار بر صندوق بیمه بیکاری را به شکل کم‌سابقه‌ای افزایش می‌دهد.

به‌طور غیرمستقیم از جنگ آسیب دیدند. اختلال در زنجیره تأمین و کمبود مواد اولیه، تولید را متوقف یا محدود کرد و همین امر آنان را به سمت تعدیل بخشی یا تمام نیروی کار سوق داد. با این حال، سهرابی تأکید می‌کند همه تعدیل‌ها از این جنس نیست. در برخی کارگاه‌ها، هیچ آسیب مستقیمی متوجه تولید نبوده و تعدیل‌ها بیشتر ناشی از سودجویی و سوءاستفاده از فضای بحرانی کشور است؛ قراردادهایی که تمدید نمی‌شود و کارگرانی که بی‌آنکه راه‌حلی دیگر آزموده شود، کنار گذاشته می‌شوند. او ارتباط دادن موج اخراج‌ها به افزایش ۴۵ و ۶۰ درصدی دستمزد مصوب شورای عالی کار را نیز رد می‌کند و یادآور می‌شود که بخشنامه‌مزد در ۳۱ فروردین ابلاغ شد؛ حال آنکه بسیاری از تعدیل‌ها پیش از اجرای رسمی دستمزد جدید رخ داده بود.

کند. حسینی توضیح داد که در فاصله آبان تادی ماه ۱۴۰۴، با وجود شرایط پرتنش اقتصادی، بیش از ۴۳ هزار میلیارد تومان تسهیلات خرد به متقاضیان پرداخت شد؛ تسهیلاتی که به گفته او به ایجاد حدود ۲۰ تا ۳۰ هزار فرصت شغلی انجامید و توانست بخشی از فشار بر بازار کار را کاهش دهد. همچنین در هفتم فروردین امسال، نخستین جلسه تخصیص اعتبارات در شرایط جنگی برگزار شد و تاکنون ۲۲ استاندارد سهم ۴۰ درصدی استان‌های خود را برای توزیع منابع اشتغال ارسال کرده‌اند.

در کنار این برنامه‌ها، دولت بسته‌ای حمایتی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط، به‌ویژه واحدهای دارای ۲ تا ۵۰ نیروی کار، در نظر گرفته است. بر اساس این طرح، به ازای هر کارگر بیمه‌شده، تسهیلاتی معادل ۲۲ میلیون تومان با نرخ مؤثر ۹ درصد و دوره تنفس دوماهه در اختیار کارفرمایان قرار می‌گیرد تا بتوانند در دوره‌های بحرانی از تعدیل نیرو جلوگیری کنند. هدف این سیاست آن است که کارگاه‌های کوچک، که بیشترین آسیب‌پذیری را در برابر شوک‌های اقتصادی دارند، فرصت تنفس و بازگشت به چرخه تولید را بیابند. البته اینکه چنین تسهیلاتی تا چه اندازه می‌تواند هزینه‌های واقعی نیروی کار را در کارگاه‌های بحران زده پوشش دهد و آیا توان بازدارندگی کافی برای منصرف کردن کارفرمایان از تعدیل نیرو دارد یا نه، پرسشی است که بررسی دقیق آن نیازمند تحلیل‌های گسترده‌تری است. با این حال، اهمیت موضوع در این است که دولت دست کم مسئله تعدیل نیرو را به‌عنوان یکی از فوری‌ترین چالش‌های بازار کار به رسمیت شناخته و برای مهار آن اقداماتی را در دستور کار قرار داده است.

آمار مبهم تعدیل کارگران

نرخ تعدیل و بیکارسازی کارگران در هفته‌های پس از جنگ افزایش یافته است. در حدود چهل روز اخیر، بنا بر برخی روایت‌ها نزدیک به یک میلیون کارگر شغل خود را از دست داده‌اند و به جمع بیکاران پیوسته‌اند؛ روایت‌های دیگری نیز از رقمی فراتر سخن می‌گویند و تعداد کارگران بیکار شده را بیش از ۲ میلیون نفر برآورد می‌کنند. بخش قابل توجهی از این افراد برای دریافت مقرری به صندوق بیمه بیکاری مراجعه کرده‌اند و همین مسئله نشانه‌ای از فشار تازه بر سازوکارهای حمایتی بازار کار به شمار می‌آید. در همین زمینه، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی اعلام کرده که در جریان جنگ و پیامدهای پس از آن، حدود یک میلیون کارگر به‌طور مستقیم و ۲ میلیون نفر به‌طور غیرمستقیم شغل خود را از دست داده‌اند. در مقابل، «علیرضا محجوب» دبیر کل خانه کارگر،

دلایل این تعدیل‌های گسترده چیست؟ آیا همه بنگاه‌هایی که در ماه‌های اخیر به اخراج یا تعلیق نیروی کار روی آورده‌اند، مستقیم یا غیرمستقیم از جنگ آسیب دیده‌اند یا بخشی از این تصمیم‌ها ریشه در عوامل دیگری دارد؟ «احسان سهرابی» فعال کارگری و عضو اسبق شورای عالی حفاظت فنی وزارت کار، در گفت‌وگو با آتی‌هنو، تصویری چندلایه از ماجرا ترسیم می‌کند. به گفته او، گروهی از صنایع بزرگ همچون برخی واحدهای فولادی، پتروشیمی بندرامام و شماری از داروسازی‌های غرب تهران، مستقیماً هدف حملات قرار گرفتند و ناگزیر به توقف فعالیت و تعلیق قراردادهای کارگران شدند. این دسته از کارفرمایان، به تعبیر او، چاره‌ای جز بیکار کردن نیروها نداشتند. بخش دیگری از واحدها، مانند کارخانه‌های قطعه‌سازی و لوله‌سازی،

بسته‌های حمایتی دولت

۱۲ اردیبهشت، سیدمالک حسینی، معاون اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در تشریح وضعیت بازار کار از مجموعه‌ای از فشارهای کم‌سابقه بر تولید سخن گفت. به گفته او، از زمستان ۱۴۰۳ عوامی همچون ناترازی انرژی و وقوع جنگ‌های کوتاه‌مدت، بخش مهمی از ظرفیت تولیدی کشور را با اختلال مواجه کرده و آثار آن به‌طور مستقیم در بازار کار نمایان شده است. با این حال، دولت تلاش کرده با تزریق منابع حمایتی، بخشی از این تکان‌ها را مهار

روایت کارگران از تعدیل

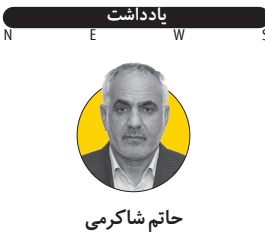
علی که نام واقعی‌اش چیز دیگری ست، پنج سال در شهرک صنعتی سهند تبریز کار کرده و در یکی از محلات قدیمی این شهر-محله دوه‌چی-زندگی می‌کند؛ همان محله‌ای که پدر و پدر بزرگش نیز سال‌ها پیش در آن سکونت داشتند. همه چیز تا مدتی آرام و قابل پیش‌بینی پیش می‌رفت؛ کار در کارخانه‌ای که در حوزه صنایع شیشه فعال است، برای او امنیتی نسبی فراهم کرده بود و تصور می‌کرد بازگشت به تبریز تصمیمی درست بوده است. افزایش ناگهانی هزینه‌های تولید و بالا رفتن قیمت مواد اولیه، آرامش آن روزها را به تدریج برهم زد. مدیران کارخانه برای حفظ حاشیه سود، نخستین راه را در کاهش مزایا و امتیازات مزدی کارگران جست‌وجو کردند؛ تصمیمی که به تدریج دامنه‌دار شد و به گفته کارگران، با شروع جنگ به نقطه‌ای بحرانی رسید. نتیجه آن بود که بسیاری از کارگران در آستانه بیکاری قرار گرفتند و در بافتی ماهانه آن‌ها به‌طور محسوسی کاهش یافت. این کارگر باسابقه از روزهای پس از جنگ با نگرانی سخن می‌گوید؛ روزهایی که اضطراب تعدیل نیرو به دغدغه مشترک کارگران شهرک صنعتی تبدیل شده است. او می‌گوید در برخی واحدهای صنعتی منطقه، بیست تا سی درصد نیروها تعدیل شده‌اند و همین خبرها فضای کار را به شدت ناآرام کرده است.

تعدیل در صنایع قطعه‌سازی

ترس علی از بیکاری، ترسی است که در بسیاری از واحدهای صنعتی کشور شنیده می‌شود؛ کارگران بیم دارند برخی کارفرمایان از شرایط بحرانی اقتصاد و فضای جنگی برای کاهش هزینه‌های نیروی کار استفاده کنند. در چنین فضایی، کوچک‌ترین نشانه رکود می‌تواند به موجی از تعدیل نیرو بینجامد. امابرای رضا، کارگر یکی از کارخانه‌های قطعه‌سازی در منطقه قلعه حسن خان در غرب تهران، این نگرانی دیگر صرفاً یک احتمال نیست. آنچه علی از آن واهمه دارد، برای بسیاری از کارگران قطعه‌سازی به واقعیتی روزمره تبدیل شده است. رضای می‌گوید که در هفته‌های اخیر کارفرمایان ناچار شده‌اند شمار زیادی از کارگران را به بیمه بیکاری معرفی کنند. به گفته او، کاهش شدید تولید در صنایع مادر، به‌ویژه فولاد و خودروسازی، زنجیره تولید قطعات را نیز دچار اختلال کرده است. بمباران برخی صنایع فولادی و کمبود ورق آهن، در کنار افت تولید خودروسازان، باعث شده بسیاری از کارخانه‌های قطعه‌سازی مواد اولیه کافی برای ادامه تولید نداشته باشند. او می‌گوید که در کارخانه محل کارش بیش از ۶۰ درصد کارگران پس از فروردین ماه و هم‌زمان با حملات متجاوزانه آمریکا و اسرائیل تعدیل شده‌اند. اکنون بسیاری از همکاران او در صف دریافت مقرری بیمه بیکاری قرار دارند و امیدوارند هرچه زودتر این مقرری برایشان برقرار شود. با این حال، حتی دریافت مقرری بیکاری نیز نمی‌تواند جای درآمد پیشین را بگیرد. رضا توضیح می‌دهد که بخش عمده دریافتی کارگران از محل مزایا و پاداش تولید همان آکورد-تأمین می‌شد. به گفته او، مجموع حقوق و مزایای ماهانه کارگران در شرایط عادی به حدود چهل میلیون تومان می‌رسید.

۶۶

در حالی که بخشی از تعطیلی‌ها حاصل آسیب‌های مستقیم جنگ است، فعالان کارگری نسبت به سوءاستفاده از فضای بحرانی برای اخراج‌های بی‌رویه و تضییع حقوق صنفی هشدار می‌دهند



حاتم شاکرمی

معاون اسبق وزیر کار

کارگران و رسالت پایداری تولید

روز جهانی کارگر تنها یک مناسبت تقویمی ساده نیست؛ فرصتی است برای بازخوانی نقش بنیادین نیروی کاری که ستون‌های اصلی تولید، خدمات و پیشرفت کشور بر دوش او استوار است. کارگران ایران در سال‌های اخیر، به‌ویژه در مقاطع دشوار اقتصادی و نیز در روزهایی که کشور با فشارها و تهدیدهای خارجی مواجه بوده، نشان داده‌اند که پایداری اقتصاد ملی بدون حضور مسئولانه و ایثارگرانه آنان ممکن نیست. استمرار کار در کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و مراکز خدماتی، حتی در شرایطی که نگرانی و نااطمینانی بر فضای عمومی سایه می‌افکند، پیامی روشن برای جامعه به همراه داشته است: چرخ تولید باید بچرخد و بنیان اقتصاد ملی نباید از حرکت بازایستد. چنین حضوری جلوه‌ای از تعهد اجتماعی و احساس مسئولیت تاریخی جامعه کارگری نسبت به سرنوشت کشور است.

جامعه کارگری ایران در چنین بزنگاه‌هایی صرفاً یک نیروی شغلی تلقی نمی‌شود، بلکه بخشی از سرمایه اجتماعی و انسانی کشور به شمار می‌آید؛ سرمایه‌ای که در کنار دولت و ملت، از ظرفیت‌های ملی صیانت کرده و اجازه نداده روند تولید و خدمات دچار وقفه شود. در همین مسیر، یاد و خاطره کارگرانی که در راه آبادانی و توسعه کشور جان خود را از دست داده‌اند، جایگاهی ویژه در حافظه جمعی جامعه دارد. شماری از این تلاشگران در جریان حوادث و حملات صورت گرفته علیه زیرساخت‌ها و واحدهای صنعتی به شهادت رسیدند؛ انسان‌هایی که حضورشان در خطوط تولید و صنعت، حلقه‌ای از زنجیره استقلال اقتصادی کشور را شکل می‌داد و فقدانشان یادآور بهای سنگینی است که برای استمرار مسیر توسعه و خوداتکایی ملی پرداخت شده است.

با این همه، تکریم کارگر تنها به بزرگداشت یک روز در تقویم محدود نمی‌شود؛ عدالت در حوزه کار زمانی معنا می‌یابد که امنیت شغلی، معیشت پایدار، شرایط مناسب محیط کار و امکان برخورداری از یک زندگی شرافتمندانه به‌عنوان اصولی پایدار در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی نهادینه شود. تأکید بر «زیست عزتمندانه» برای نیروی کار، مفهومی فراتر از افزایش دستمزد است و مجموعه‌ای از سیاست‌ها را در بر می‌گیرد که به حفظ قدرت خرید، ثبات شغلی و آرامش خانواده‌های کارگری می‌انجامد؛ مسیری که بدون همکاری منسجم دولت، مجلس و دیگر نهادهای تصمیم‌گیر به نتیجه مطلوب نخواهد رسید.

پایداری اشتغال و تداوم فعالیت بنگاه‌های اقتصادی، به‌ویژه در بخش بنگاه‌های کوچک و متوسط، در چنین شرایطی اهمیتی دوچندان می‌یابد. حمایت هدفمند از کسب و کارهای آسیب‌پذیر از طریق ابزارهایی چون یارانه دستمزد، معافیت‌های مالیاتی و بیمه‌ای، تسهیلات مالی ارزان قیمت و سیاست‌های تسهیل‌گر می‌تواند به حفظ ظرفیت‌های تولیدی کشور و صیانت از سفره کارگران کمک کند. هماهنگی میان دولت، تشکل‌های کارگری و کارفرمایی نیز شرطی ضروری برای تحقق چنین رویکردی است.